

The Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences

Vol. 1 • No. 1 • Autumn, 2019 • Issue 1

Received: 25/06/2019

Accepted: 02/11/2019

**An Examination of Dr. Seha's Doubts about the
Multiplicity of Wives in the Holy Quran**

**Hossein Rezaei¹
Farajollah Mirarab²**

Abstract

The fight against the Holy Quran has been pursued by enemies in a variety of ways, including casting the doubt on the laws and its rulings since the beginning of Islam until now. Marriage of a man to several women, or "multiple wives," are important and sensitive issues for women and the family. Surah Nisa, verse 3, the Qur'an issues the authorization of polygamy if they are able to consider justice among them and in verse 129 of this surah states that considering justice is not possible among the wives. Dr. Seha, in the book "Criticism of the Qur'an", while instilling doubts about "the multiplicity of wives" and considering it not to be reasonable, claims that verse 129 has abrogated verse 3 and that the provider of the ruling has regretted its continuation. The present study is a descriptive-analytical one with a critical approach and a documentary method to examine this doubt. The findings suggest that the rulings of the Holy Qur'an, including permission for the multiplicity of wives, have been formulated on the basis of human wisdom and the real need of the human being, and the reasons brought by critic of the Qur'an cannot undermine the rulings. There is also no Nasikh (abrogator) and Mansukh (abrogated) relation between the two verses mentioned.

Keywords

Dr. Seha, Naskh, multiplicity of wives.

1. M.A student in Qur'anic Sciences and Hadith & M.A in Human Resources Management (author in charge), Tehran, Iran. hossein.reza.364@gmail.com.

2. Associate professor at Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. mirarab@isca.ac.ir

فصلنامه علمی - تخصصی

مُطالعات قرآنی

سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۹۸
(صفحات: ۱۱۳-۱۳۲)

بررسی شبهات دکتر سها درباره تعدد زوجات در قرآن کریم

حسین رضایی*

فرج‌الله میرعرب**

چکیده

مبارزه با قرآن کریم به روش‌های مختلفی، از جمله شبهه‌افکنی علیه قوانین و احکام آن از صدر اسلام تاکنون مورد اهتمام دشمنان بوده است. ازدواج یک مرد با چند زن یا «تعدد زوجات» از مسائل مهم و حساسیت‌برانگیز مربوط به زنان و خانواده است. قرآن در آیه ۳ سوره نساء مجوز تعدد زوجات را در صورت توانایی بر مراعات عدالت میان آنان، صادر می‌کند و در آیه ۱۲۹ این سوره ممکن نبودن رعایت عدالت میان زنان را بیان می‌کند. دکتر سها در کتاب نقد قرآن ضمن القای شبهاتی در مورد «تعدد زوجات» و خلاف حکمت خواندن آن ادعا می‌کند آیه ۱۲۹، آیه ۳ را نسخ کرده و آورنده حکم از تداوم آن پشیمان شده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی با گرایش انتقادی و به روش اسنادی، به بررسی دقیق این شبهه می‌پردازد. حاصل پژوهش این است که احکام قرآن کریم، از جمله جواز تعدد زوجات، بر مبنای حکمت و نیاز واقعی انسان تدوین شده و دلایل ناقد قرآن نمی‌تواند خدشه‌ای بر آن وارد سازد. همچنین هیچ‌گونه رابطه ناسخ و منسوخ بین دو آیه پیش گفته وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها

قرآن، دکتر سها، نسخ، تعدد زوجات.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۲۵

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hossein.reza.364@gmail.com

mirarab@isca.ac.ir

** دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

مقدمه

نقد قرآن کریم موضوعی است که پیشینه آن به زمان نزول قرآن بازمی‌گردد. از آن زمان تاکنون کتاب‌هایی در نقد قرآن و آثاری در پاسخ به آنها تألیف شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. قطرب نحوی (متوفای ۲۰۶) از دانشمندان نحو و ادب و شاگرد سیبویه و از اصحاب امام صادق علیه السلام از نخستین کسانی است که کتابی با عنوان الرد علی الملحدین فی تشابه القرآن تألیف کرده است. تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶ق) نیز کتاب دیگری در پاسخ به برخی به ظاهر تناقضات قرآنی است. ابوالحسین احمد بن یحیی راوندی معروف به ابن راوندی (از متکلمان مشهور به الحاد سده سوم هجری) از کسانی است که با تألیف کتاب الدماغ و الزمردة به‌طور کلی تشکیکات و طعنه‌های بسیاری را در مورد قرآن و نبوت بیان کرده است. ابوالحسن اشعری در رد شبهات ابن راوندی، رساله‌ای را با عنوان الرد علی ابن الراوندی فی الصفات و القرآن تألیف کرده است. در سده پنجم هجری قاضی عبدالجبار متکلم مشهور معتزلی با تألیف کتاب تنزیه القرآن عن المطاعن در رد شبهات و پاسخگویی به اشکال ملحدان به قرآن کوشش کرد. در همین سده، خطیب اسکافی در کتاب خود موسوم به درة التنزیل و غرة التأویل به ذکر شبهات ملحدان و پاسخگویی به آنان می‌پردازد.

آنچه ذکر شد، موارد اندکی از کتاب‌هایی است که در طول تاریخ اسلام در نقد قرآن کریم و پاسخ به این نقدها، تألیف شده است. اما اخیراً کتابی با عنوان نقد قرآن، نوشته شخصی به نام سها (نام مستعار) در فضای مجازی منتشر شده که به ادعای مخالفان، یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب‌ها در زمینه نقد قرآن است. تلاش نویسنده در این کتاب، اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم است. نشر گسترده کتاب گفته شده در فضای مجازی، می‌تواند آسیب‌های اعتقادی به‌دنبال داشته باشد که این موضوع لزوم پاسخگویی هرچه زودتر به این کتاب را مسجل می‌کند.

پژوهش حاضر به بخشی از شبهات این کتاب می‌پردازد، آنجا که نویسنده به نقد آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء می‌پردازد و ضمن القای شبهاتی در مورد عدم رعایت حقوق زن در اسلام، ادعا می‌کند آیه ۱۲۹ این سوره، آیه ۳ را نسخ کرده است. اهمیت پژوهش از آن جهت است که ایجاد تردید در ذهن معتقدان به قرآن، زمینه اجرایی شدن آن را سست

می‌کند و اساس اسلام با چالشی جدی مواجه می‌شود. به خصوص اگر شبهه با احساسات مردم سروکار داشته باشد. مسئله زنان و خانواده برای همه حساسیت برانگیز است و اگر کسی بتواند به الهی و منطقی بودن احکام زنان و خانواده در قرآن کریم تردید وارد کند و به‌ویژه زنان جامعه را به قرآن بدبین کند، اساس اسلام را با چالش مواجه خواهد کرد. هدف دکتر سها با غیرمعقول و خلاف حکمت نشان دادن حکم جواز تعدد زوجات و همچنین تعارض دستورهای قرآن در این عرصه نیز همین است. این مسئله وقتی رسانه‌ای و در فضای مجازی منتشر شود، از دست متخصصان به دست جاهلان می‌افتد می‌تواند صدمات فرهنگی و اعتقادی بسیاری را سبب شود؛ از این رو بررسی شبهه و اثبات بی‌اساس بودن آن بسیار مهم است.

۱. پیشینه تحقیق

کتاب‌هایی در نقد و رد کتاب نقد قرآن و شبهات دکتر سها تألیف شده است که عبارت‌اند از: کتاب توطئه جدید، (نقد آیت‌الله مکارم شیرازی بر کتاب نقد قرآن دکتر سها)، بررسی مبانی کتاب نقد قرآن اثر دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، کتاب دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن (نقد بررسی فصل اول و دوم) اثر محمدباقر حیدری نسب و کتاب کشف نیرنگ و رد بهتان در رد کتاب نقد قرآن از گروه عبادالرحمن (پاسخ کلی و منتخب).

پایان‌نامه‌هایی نیز در پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن سها، تألیف و دفاع شده که عبارت‌اند از: «بررسی انتقادی شبهات پزشکی دکتر سها» از حسین رضایی، «بررسی شبهات ناظر به انتساب صفت ظلم به خداوند در قرآن کریم» از سمانه تمیزی، «بررسی شبهات موهم نظام طبقاتی قرآن» از مینا موسوی، «نقد شبهات ناظر برخی اشکالات ادبی در قرآن (بر اساس کتاب دکتر سها)» از صدیقه فرهادیان، «نقد شبهات ناظر به آموزه‌های سیاسی و حکومتی قرآن و سنت پیامبر اکرم ﷺ» از زینب عباس‌زاده، «پاسخ به شبهات خشونت‌طلبی پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم از آرزو خواجه.

آنچه درباره آثار بالا باید گفت این است که در هیچ‌یک از کتاب‌ها یا پایان‌نامه‌های ذکر شده، به شبهه مورد بحث در پژوهش حاضر پرداخته نشده است. همچنین گفتنی است مقاله‌ای درباره شبهات کتاب نقد قرآن در هیچ زمینه‌ای تألیف نشده است؛ به همین دلیل، به

استناد بررسی‌های انجام‌شده، شبهه دکتر سها که با استمداد از ادعای نسخ آیه تعدد زوجات برای تضعیف الهی بودن قرآن تلاش کرده، با پاسخ علمی و مفصل همراه نشده است و پژوهش حاضر مشابهی ندارد. اما صرف نظر از شبهات دکتر سها، در موضوع تعدد زوجات کتاب‌هایی تألیف شده است که عبارت‌اند از: تعدد زوجات و مقام زن در اسلام از علامه طباطبائی، تعدد الزوجات بین العلم و الدین از عبدالمحسن علی ابوعبدالله، تحلیلی از آیات تعدد زوجات در حریت و حقوق زن در اسلام از محبوبه رضایی، تعدد الزوجات فی الاسلام اثر ابراهیم محمدحسن جمل، بیت الطاعة و تعدد الزوجات و الطلاق فی الاسلام از علی عبدالواحد وافی.

مقالات مهمی نیز در این باره نوشته شده که در پایگاه نورمگز ۴۶ مقاله از مجلات مختلف در دسترس همگان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد در میان مقالات، مقاله «رأی جدید فی تعدد الزوجات» که محمد محمدمدنی، در مجله رساله الاسلام، سال ۱۰، ش ۴ (ربیع الاول ۱۳۷۸) نوشته و دو مقاله دیگر، یکی در دانشنامه جهان اسلام به قلم مهدی مهریزی و دیگری در دایرةالمعارف قرآن از سیدجعفر صادقی فدکی، غنای خوبی دارند. این مقالات به شبهات عمومی توجه داشته و در پاسخ‌دهی تلاش خوبی کرده‌اند.^۱

۲. روش تحقیق

این پژوهش که نقدی بر فعالیت متن محور است، به روش توصیفی - تحلیلی با گرایش انتقادی و با تکیه بر اسناد کتابخانه‌ای انجام شده و بر آیات قرآن کریم، روایات صحیح، توجه به مفردات قرآنی با استفاده از کتاب‌های معتبر لغت عربی و یافته‌های مسلم دیگر علوم مرتبط با موضوع بحث استوار است. خود مبحث نسخ در قرآن کریم، موضوع این پژوهش نیست؛ اما در ابتدا توضیح مختصری در این باره داده می‌شود. در پاسخ به شبهات

۱. برخی مقالات دیگر عبارت‌اند از: «نقد ادعای مستشرقان در مورد تناقض در آیات تعدد زوجات» از زهره اخوان مقدم و فرزانه پاشازاده، مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۲؛ «نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر ﷺ از منظر قرآن» اثر محمدحسین محمدی و فاطمه صارمی، مجله قرآن‌پژوهی خاورشناسان، ش ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵؛ «بررسی و نقد دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در پرتو اصل معاشرت به معروف»، معصومه حافظی و کاظم قاضی‌زاده، مجله زن و جامعه، س ۹، ش ۳، پاییز ۱۳۹۷.

نیز ابتدا متن شبهه از کتاب نقد قرآن با اندکی تلخیص می‌آید و سپس پاسخ لازم ارائه می‌شود.

۳. مفاهیم و اصطلاحات پژوهش

دکتر سها برای تضعیف حکم تعدد زوجات و نقد آیات قرآن از چند واژه استفاده کرده است: نسخ، عدالت و تعدد زوجات.

۳-۱. نسخ در قرآن کریم

درباره موضوع ناسخ و منسوخ در قرآن، کتاب‌های فراوانی تألیف و نظرهای متفاوتی ارائه شده است. با نگاهی گذرا بر موضوع نسخ و حکمت آن در قرآن، می‌توان گفت در کتاب‌های لغت معانی مختلفی برای واژه «نسخ» ذکر شده است. برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱. تغییر و تحول چیزی به چیز دیگر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۶۱)؛ ۲. استنساخ و نگارش متن یا کتابی از روی متن یا کتاب دیگر (جوهری، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ص ۴۳۳)؛ ۳. هر چیزی که جای چیز دیگر را بگیرد، مثل پیری به جای جوانی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ص ۴۲۴)؛ ۴. ابطال، ازاله و ازبین بردن چیزی با چیز دیگر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ص ۴۹۰).

با توجه به اینکه شرایط وضعیت جوامع انسانی متغیر است، احکام قرآن کریم نیز باید در عین جامعیت، دارای انعطاف کافی برای پاسخگویی به همه مسائل اجتماع بشری باشد؛ از این رو تغییر و تبدیل حکمی به حکم دیگر بر اساس مصلحت زمانه، اقتضای حکمت و واقعیتی اجتناب‌ناپذیر است. نسخ موجود در شرایع آسمانی و قرآن با این منطق توجیه می‌شوند و در اصطلاح «نسخ» ناشی از اختلاف در مصداق است؛ به این معنا که یک حکم در زمان و شرایطی خاص با مقتضایات زمان خود انطباق دارد و در زمان و شرایطی دیگر، حکمی متناسب با آن زمان تشریح می‌شود؛ به این دلیل که مصلحت پیشین به مصلحت دیگری مبدل شده، و حکمی دیگر را ایجاد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۱۰۶).

درواقع خدایی که به همه مصالح آدمیان در همه زمان‌ها و مکان‌ها آگاهی علم بی‌کران دارد، می‌داند در هر مقطع چه قانونی تأمین‌کننده مصالح آنان است؛ بنابراین نسخ در احکام الهی بر اثر تحوّل در «مقتضیات انسان» است، نه تحول در «آگاهی قانونگذار» (جوادی آملی،

۱۳۸۳، ج ۶: ص ۷۸). قرآن کریم نیز به همین دلیل در آیه ۱۰۱ سوره نحل^۱ کوتاه‌بینانی که وجود تحول و تبدیل در احکام الهی را عیب می‌دانند، نکوهش می‌کند؛ زیرا آنان درک نمی‌کنند وظیفه قرآن چیست و چه رسالتی بر عهده دارد و نمی‌دانند که نسخ (به معنی تغییر و تحول چیزی به چیز دیگر) پاره‌ای از دستورها و احکام قرآن، برنامه‌ای دقیق و حساب شده است که بدون آن، هدف نهایی و رسیدن به تکامل تأمین نمی‌شود؛ به همین دلیل می‌پنداشتند نسخ، دلیل بر تناقض گویی پیامبر ﷺ یا افترا بستن به خدا است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ص ۴۰۶).

در این زمینه می‌توان حال بیماری را مثال زد که در تغییر تدریجی است و در هر مقطع، درمان و دارویی ویژه می‌طلبد. در چنین زمینه‌ای اگر نسخه‌های تجویز شده تغییر نیابد، نشان نقص درمان و ضعف علمی طبیب است، نه اینکه تغییر آن نشان نقص پنداشته شود؛ پس این شبهه که اگر خدا عالم است، چرا در احکام شرعی نسخ صورت می‌گیرد، همانند این پرسش است که اگر طبیب حاذق است، چرا نسخه را تغییر می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۶: ص ۷۹).

در برابر این نظرها، دکتر سها نسخ را گونه‌ای دیگر معنا کرده و آن را مشکلی برای قرآن دانسته است. او می‌گوید:

ما انسان‌ها در طول زندگی مان و حتی در یک هفته یا یک روز، ممکن است نظیرمان عوض شود. چیزی گفته باشیم یا انجام داده باشیم و سپس متوجه شویم که خطا کرده‌ایم یا بی‌دقتی کرده‌ایم و سپس آن را اصلاح کنیم؛ یعنی تصمیم یا نظر قبلی مان را کنار می‌گذاریم و نظر جدیدی را انتخاب می‌کنیم. هر دو مورد لغو و اصلاح احکام در قرآن وجود دارد. به لغو حکم قبلی نسخ گفته می‌شود. نسخ روش زیرکانه‌ای بود که محمد برای گریز از تناقضات موجود در قرآن در پیش گرفت. به این روش هر تناقضی که بین دو آیه احکام قرآن وجود دارد، به راحتی قابل اغماض است؛ چون گفته می‌شود آیه‌ای که از نظر زمانی دیرتر نازل شده،

۱. «وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَبْدُلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ: و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم و خدا به آنچه به تدریج نازل می‌کند داناتر است، می‌گویند جز این نیست که تو دروغ‌بافی. [نه!] بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند».

حکم اصلی است و حکم قبلی را نسخ می‌کند. نسخ در انسان یک امر طبیعی است؛ ولی آیا در مورد خدا هم نسخ صحیح است؟ خیر. خدا می‌تواند در هر زمان تصمیمی بگیرد که برای همیشه درست باشد. تغییر نظر نشانگر بی‌توجهی و ناآگاهی فرد در هنگام تصمیم اولیه است و این کار در مورد خدا امکانپذیر نیست (سها، ۱۳۹۳: ص ۲۱۶).

۳-۲. عدالت میان همسران

«عدالت» از ماده «عدل» است و معانی مختلفی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از: «عدل» ضد ظلم (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱: ص ۴۳۰) و به معنای رعایت برابری میان دو چیز و قراردادن هر چیز در جایگاه خود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲۵)؛ «عدل» به معنای حد متوسط میان افراط و تفریط (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۸: ص ۵۵) و به تساوی تقسیم کردن (همان)؛ همچنین «عدل» در عرف اجتماعی، به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز است (وادیان دامغانی، ۱۳۸۲: ص ۲۷).

درباره عدالت بین همسران در موضوع تعدد زوجات نیز باید گفت: قرآن کریم به هر مسلمانی اجازه انتخاب همسران دیگر را نداده و در آیه ۳ سوره نساء، جواز گرفتن همسر دیگر (تا چهار همسر) را مشروط به رعایت عدالت بین آنان کرده و تأکید فرموده است اگر امکان تحقق این شرط وجود ندارد، انتخاب همسر دیگر جایز نیست.

۳-۳. تعدد زوجات

تعدد زوجات نوعی چندهمسری است که در اسلام با شرایطی پذیرفته شده است؛ البته باید گفت موضوع تعدد زوجات، در میان ملت‌ها و ادیان پیش از اسلام وجود داشته و در سیره برخی انبیای پیشین، از جمله حضرت ابراهیم و حضرت موسی و حضرت داوود و حضرت سلیمان علیهم‌السلام هم گزارش شده است (باجوری، ۱۹۸۶م: ص ۱۴۲-۱۴۳). در قرآن کریم نیز موضوع تعدد زوجات مطرح شده است که مهم‌ترین آنها آیه سوم سوره نساء است. درباره این آیه آرای تفسیری متعددی ذکر شده است؛ ولی به نظر مشهور، مفهوم آیه این است: «اگر می‌ترسید که به هنگام ازدواج با دختران یتیم عدالت را درباره آنان رعایت

نکنید، با دیگر زنان، دو یا سه یا چهار زن، ازدواج کنید و اگر می‌ترسید که عدالت را درباره همسران متعدد مراعات ننمایید، تنها به یک همسر اکتفا کنید» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۴۶۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۱۶۶ و...).

۴. شبهه سه‌ها در مورد تعدد زوجات و مسائل مربوط

شبهاتی را که دکتر سه‌ها در رد حکم تعدد زوجات و نقد آیات مربوطه القا کرده، می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. ناعادلانه بودن جواز چندهمسری در قرآن؛
۲. چندهمسری ریشه در زورگویی مردان بر زنان در گذشته داشته که این رفتار را قرآن تأیید کرده است؛
۳. بروز شدت ظلم و غیرحکیمانه بودن آن با خارج بودن زنان موقتی از محدودیت چندهمسری؛
۴. غیرالهی بودن حکم به دلیل نسخ آیه ۳ سوره نساء با آیه ۱۲۹ این سوره و محال بودن نسخ بر خداوند.

۴-۱. ناعادلانه بودن جواز چندهمسری در قرآن

دکتر سه‌ها می‌گوید: «نیازی به ذکر نیست که انسان تمایل شدید روانی به منحصر کردن همسرش به خودش دارد؛ یعنی مایل نیست که همسرش با کس دیگری غیر از خودش رابطه جنسی داشته باشد. از این ویژگی به عنوان غیرت یاد می‌شود که هم در زن و هم در مرد وجود دارد. تجویز چندهمسری برخلاف این طبیعت انسانی و به شدت مشکل‌زا است و موجب از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود و مشکلات فراوان تربیتی برای فرزندان چند همسر فراهم می‌کند، به طوری که همه مردم از این مشکلات آگاه‌اند و امروز که آگاهی و شعور بشر افزایش یافته، مردم کمتر زیر بار چنین اشتباهی می‌روند. در صورتی که اگر قرآن گفته خدا بود، خدا می‌دانست که این حکم غیرعادلانه و برخلاف طبیعت روانی انسان است و آن را ممنوع می‌کرد» (سه‌ها، ۱۳۹۳: ص ۲۳۰).

۱-۴-۱. بررسی و نقد ادعا

نخست آنکه، هیچ کس نمی تواند انکار کند که در گذشته، مردان قربانیان اصلی حوادث گوناگون زندگی بودند و بیش از زنان در معرض خطر قرار داشتند. حتی در جوامع مدرن امروزی نیز این موضوع اثبات شده است؛ برای مثال طی پنج دوره سرشماری در ایالات متحده آمریکا (سرشماری سالهای ۱۹۸۰، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰)، به طور میانگین، ۲/۳۸ درصد از مردان و ۱۱/۱۲ درصد از زنان ۱۸ سال و بالاتر، همسر خود را از دست داده و بیوه اند (U.S. Bureau of the Census, 2002: p.47 & 1998: p.57)؛ به عبارت دیگر در آمریکا تعداد زنان بیوه، حدوداً پنج برابر مردان بیوه است. از سوی دیگر، زنانی که همسران خود را به علل گوناگونی از دست می دادند، معمولاً نمی توانستند به عنوان همسر اول، مورد توجه مردان قرار گیرند و اگر مسئله تعدد زوجات در کار نبود، آنان باید برای همیشه بدون همسر باقی می ماندند و اگر حامی دلسوزی نداشتند، گرفتار فقر و چه بسا فحشا می شدند. این واقعیت که زنان بیوه در جوامع امروزی نیز از فشارهای مختلف روان شناختی رنج می برند، اغلب نادیده گرفته می شود (Trivedi, 2009: p.37). برتراند راسل در این باره می نویسد: «در انگلستان کنونی بیش از دو میلیون زن، زاید بر مردان وجود دارد که بنا به عرف باید عقیم بمانند و این برای ایشان محرومیت بزرگی است» (مطهری، ۱۳۵۳: ص ۳۱۸). در واقع باید گفت اگر تعداد زنان نیازمند بر مردان نیازمند فزونی داشته باشد، منع تعدد زوجات، نه تنها عادلانه نیست، بلکه خیانت به بشریت است؛ زیرا افزون بر پایداری کردن حقوق زن، بحرانی که از این راه جامعه را تهدید می کند، از هر بحرانی خطرناک تر است (همان: ص ۳۳۴).

دوم شرایط سخت زندگی و نبود امکانات رفاهی در گذشته، فشار کاری بسیار و طاقت فرسایی را بر زنان تحمیل می کرد. زنان جوامع گذشته افزون بر وظیفه تربیت و پرورش کودک و کارهای سنگین خانه، بعضاً مجبور بودند در امور دیگر خانواده از قبیل کشاورزی نیز نقش ایفا کنند. قطعاً در چنین شرایطی وجود چند زن در یک خانه، از سنگینی وظایف و مسئولیت های مربوط به زنان، خصوصاً در مناطق روستایی، تا حد قابل توجهی می کاست.

سوم، تحقیقات و مطالعات انجام گرفته نشان می دهد نیاز جنسی مردان (در برابر مناظر

تحریک آمیز) در مقایسه با زنان شدیدتر است^۱ (Temple, 2016: p.143, Weiten, 2007: p.388). حال اگر بر اثر نیاز شدید جنسی و ناتوانی همسر اول برای پاسخ به این خواسته غریزی، مرد خود را ناچار به ازدواج دوم ببیند، در این گونه موارد نیز نمی توان منطقی بودن خواسته مرد را انکار کرد و چنانچه این خواسته از طریق مشروع انجام نشود، قطعاً از راه‌های نامشروع برآورده خواهد شد و در آن صورت، اصول اخلاقی جامعه سست و متلاشی می‌شود. چندهمسری به ترتیبی که اسلام عنوان کرده، یکی از شیوه‌هایی است که می‌تواند بر استحکام خانواده بیفزاید و آن را از آلوده شدن پاک نگهدارد. طبیعی است بر اساس همین ملاحظات، جامعه مسلمانان سعادتمندان‌تر زندگی می‌کنند و زنان از شأن و حرمت بیشتری برخوردار خواهند بود.

چهارم گاهی ممکن است زن بر اثر نازبودن یا تولد فرزندان ناسالم و مریض، قادر به برآورده کردن حق طبیعی داشتن اولاد سالم برای مرد را نداشته باشد. در چنین شرایطی اگر مرد علاقه به داشتن فرزند سالم داشته باشد، راه چاره‌ای جز تعدد زوجات باقی نماند؛ زیرا مرد می‌تواند بدون طلاق دادن همسر اول، با ازدواج مجدد، زمینه برآورده شدن این خواسته را فراهم کند.

پنجم در گذشته تعداد خاندان و عشیره، به دلیل ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، عامل بسیار مهمی به شمار می‌رفته است. برای مثال در زمینه مسائل سیاسی، اگر تعداد نفرات موجود در قبیله‌ای نسبت به دیگر قبایل (مخصوصاً قبایلی که بین آنها نزاع و درگیری وجود داشت) کمتر بود، این عامل مهمی در ضعف آن قبیله به‌شمار می‌رفت. از این رو افزایش جمعیت از مسائلی بود که همواره مورد توجه جوامع گذشته قرار داشته در این شرایط بدیهی است تعدد زوجات، تنها راه تکثیر مشروع فرزندان بوده است.

بنابر آنچه گذشت باید گفت «چندهمسری یا تعدد زوجات»، به صورت یک موضوع

۱. در برخی از روایات گفته شده تمایلات جنسی زنان ده برابر مردان است؛ اما حیای زن بیشتر از مرد است (کلینی، ج ۵: ص ۳۳۸). در این خصوص باید گفت: درست است که میل جنسی در زن بیشتر است، تحقیقات نشان داده که زنان در برابر غریزه جنسی، بسیار مقاوم‌اند برعکس، مردان به سرعت و به‌شدت، در برابر مناظر تحریک‌آمیز، دچار طغیان شهوت می‌شوند و صبر و مقاومت خویش را از دست می‌دهند و به همین دلیل است که تحریک جنسی در مردان، در مقایسه با زنان، سریع‌تر، آسان‌تر و با تعداد و دفعات بیشتر صورت می‌گیرد (Sabini, 1992: p.395).

منطقی، در بسیاری از جوامع انسانی، (مثل تمدن‌هایی ایران باستان، چین، هند و مصر) وجود داشته و دارد (منتسکیو، ۱۳۴۹: ص ۴۳۴؛ عبدی پور، ۱۳۸۸: ص ۸)؛ البته باید به این نکته توجه شود که جواز یک حکم هرگز به معنای الزام آن نیست؛ بنابراین هیچ زنی ملزم نیست با استناد به این حکم چنین زندگی‌ای را بپذیرد.

با توجه به مطالب بالا اکنون این پرسش مطرح می‌شود که با فرض نبود حکم جواز ازدواج مجدد، آیا ممنوعیت و حرمت آن، حتی در شرایط خاص و هرچند محدود، زیانبار نبود. هیچ انسان خردمند و منصفی نمی‌تواند این واقعیت را انکار کند که برخورداری از قانون و توجه به موارد خاص در تشریح قوانین از نشانه‌های پویایی و واقع‌بینی یک نظام اجتماعی است. اگرچه امروز جوامع غربی چندهمسری را که قانونی مشروع است تقبیح می‌کنند، در عمل روابط آزاد جنسی و نامشروع جایگزین آن شده و بدون هیچ‌گونه تعهد و تکلیفی ترویج می‌شود.

در مورد اسلام باید گفت قوانین دین مبین اسلام بر اساس عقلانیت و نیازهای واقعی بشر بنا نهاده شده، نه احساسات سطحی و کوتاه‌بینانه. هرچند تعدد زوجات از نوآوری‌های اسلام نیست، به دلیل ضرورت‌های فردی و اجتماعی بازگو شده، آن را تأیید می‌کند و ضمن بازتعریف آن، به تحدید و تقیید آن می‌پردازد و برای پیشگیری از آسیب‌های آن شرایط سختی را برای آن وضع می‌کند:

نخست آنکه تعداد همسران دائم را به چهار همسر کاهش می‌دهد؛ در حالی که پیش از اسلام محدودیتی در این قانون وجود نداشت.

دوم با در نظر گرفتن شرایطی مانند رعایت عدالت میان همسران، تنها کسانی قادر به انجام ازدواج مجدد خواهند بود که از توانایی و ظرفیت لازم برخوردار باشند.

سوم در آموزه‌های اسلامی، مسلمانان به شدت از تعدد زوجات به انگیزه هوسرانی و لذت‌جویی منع می‌شوند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغِضُ أَوْ يُلْعَنُ كُلَّ ذَوَّاقٍ مِنَ الرِّجَالِ؛ خداوند عزوجل دشمن می‌دارد یا لعنت می‌کند مرد ذَوَّاق (هوسران) را» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶: ص ۵۴). «ذَوَّاق» به کسی گویند که هدفش این است از زنان گوناگون کامجویی کند (مطهری، ۱۳۵۳: ص ۶۷)؛ البته با توجه به سختی‌های فراوان ازدواج مجدد، اساساً خردمندانه نیست که آدمی برای کامجویی جنسی مشکلات بسیار زیادی را برای خود به وجود آورد.

۴-۲. ریشه چند همسری از نظر دکتر سها

دکتر سها می‌گوید: در گذشته به دلیل زورمندی و تسلط مردان بر زنان، مردان این غیرت را برای خود ضروری دانستند و برای زنان ممنوع کردند؛ به عبارت دیگر مردان می‌توانستند هر چند همسر که خواستند بگیرند؛ ولی زنان حق چنین کاری را نداشتند و هر زن منحصر به یک مرد بود و حتی زنان را از دیدار و گفتار با مردان دیگر ممنوع می‌کردند و تا آنجا پیش رفتند که زنان را به خانه‌نشینی واداشتند. همین رفتار غیرعادلانه گذشتگان را نیز قرآن پذیرفته و تأیید کرده است (سها، ۱۳۹۳: ص ۲۳۰).

۴-۲-۱. بررسی و نقد ادعا

این پرسش مطرح است که برخی دلایل پیش گفته در دفاع از حکم تعدد زوجات، درباره زنان نیز صدق می‌کند، اما چرا در اسلام برای زنان تعدد همسر یا «چندشوهری» مجاز نیست. در پاسخ به این پرسش و نیز پاسخ به شبهاتی که دکتر سها در این خصوص مطرح کرده، باید گفت:

نخست آنکه زمان جاهلیت پیش از ظهور اسلام در عربستان، یکی از دوره‌های سیاه و تاریک زندگی زنان است. «چندشوهری» جزئی از ازدواج‌های مرسوم آن زمان بوده است. برای توضیح بیشتر باید گفت در زمان جاهلیت، چهار نوع ازدواج وجود داشت که سه نوع آن چندشوهری بود. یک نوع همان است که امروز معمول و جاری است. نوع دیگر این بود که مردی در خلال ایام زناشویی با زن خود، وسیله زناشویی او را با مرد دیگری برای مدتی محدود فراهم می‌کرد تا از او برای خود نسل بهتری به وجود آورد که به آن نکاح استبضاع می‌گفتند. نوع دیگر زناشویی این بود که گروهی که کمتر از ده نفر بودند با یک زن معین رابطه برقرار می‌کردند، آن زن آبستن می‌شد و فرزندی به دنیا می‌آورد. در این وقت آن زن همه آن گروه را نزد خود دعوت می‌کرد و طبق عادت و رسم آن زمان آن مردان نمی‌توانستند از آمدن سرپیچی کنند؛ پس همه می‌آمدند. در این هنگام آن زن هر کدام از آن مردان را که خود مایل بود به‌عنوان پدر برای فرزند خود انتخاب می‌کرد و آن مرد حق نداشت از قبول آن فرزند امتناع کند. نوع چهارم این بود که زنی رسماً عنوان روسپی‌گری داشت. هر مردی می‌توانست با او رابطه داشته باشد. اگر

این زن فرزندان را به دنیا می‌آورد، همه مردانی را که با او ارتباط داشتند، جمع می‌کرد و آن‌گاه قیافه‌شناس می‌آوردند، قیافه‌شناس از روی مشخصات قیافه رأی می‌داد که این فرزند از آن کیست و آن مرد هم مجبور بود نظر قیافه‌شناس را بپذیرد و آن فرزند را فرزند رسمی و قانونی خود بداند (مطهری، ۱۳۵۳: ص ۲۸۷). در نتیجه دلیل ناقد قرآن، مبنی بر اینکه در گذشته «چندشوهری» به دلیل تسلط مردان بر زنان، ممنوع بوده، اشتباهی بیش نیست که نشان بی‌اطلاعی او از موضوع مورد بحث است و واقعیت این است که اسلام بود که با همه سنت‌های غلط جاهلیت به مبارزه پرداخت و خط بطلان بر آنها کشید.

دوم خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیت آدمی و آغازی برای صعود به قله‌های انسانیت و پیمودن پله‌های تعالی است که در آن ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و اسباب رشد و تعالی انسان در آن به وجود می‌آید. شکی نیست که در صورت مجاز بودن چندشوهری، بنیان مقدس خانواده که تکیه‌گاه عاطفی و اقتصادی اعضای خویش است و هر فرد هویت دینی، فرهنگی و نیز طبقه اجتماعی خود را از آن به ارث می‌برد، متلاشی خواهد شد.

سوم تعدد همسر در مورد مردان هیچ‌گونه مشکل اجتماعی و حقوقی ایجاد نمی‌کند؛ در حالی که درباره زنان مشکلات فراوانی به وجود خواهد آورد که ساده‌ترین آنها مسئله مجهول بودن نسب فرزند است. مسلماً چنین فرزندى مورد حمایت هیچ‌یک از مردان نبود و حتی مادر کمتر به او علاقه نشان می‌داد. چنین فرزندانى از نظر عاطفی در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند و از نظر حقوقی نیز وضعیتشان کاملاً مبهم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۲۶۱).

چهارم چندشوهری نه تنها با طبیعت مرد، بلکه با طبیعت زن و منافع وی نیز سازگار نیست؛ زیرا علاوه بر تفاوت‌های جنسی، زن از مرد موجودی می‌خواهد که حامی و مدافع او باشد و برای او فداکاری کند. در صورتی که زن در چندشوهری هرگز نتوانسته حمایت، محبت، عواطف خالصانه و فداکاری یک مرد را به خود جلب کند؛ از این رو چندشوهری نظیر روسپی‌گری مورد تنفر زن بوده است (مطهری، ۱۳۵۳: ص ۲۹۸)؛ البته یافته‌های روان‌شناسی نیز میل به چندشوهری را در مورد زنان نمی‌پذیرد. دکتر اسکات در این رابطه می‌گوید: «مرد

اساساً چندهمسرگرا است و توسعه تمدن، این چندهمسرگرایی طبیعی را توسعه بخشیده است» (12): "History of Prostitution", quoted From: (hwby Polygamy Is Allowed In Islam, P: 52, ,

۳-۴. ازدواج موقت

دکتر سها می گوید: نکته مهم دیگر این است که محدودیت چندهمسری به چهار و توصیه به عدالت بین همسران، شامل زنان موقتی نمی شود (سها، ۱۳۹۳: ص ۲۳۰).

۱-۳-۴. بررسی و نقد ادعا

پرسش دیگر این است که چرا در اسلام افزون بر جواز تعدد زوجات، ازدواج موقت نیز مجاز شمرده شده است. در پاسخ باید گفت ازدواج موقت یک پیمان زناشویی دوجانبه برای مدت معین و با رعایت تمامی حقوق و شرایط لازم است (آلکاشف الغطاء، ۱۳۴۶: ص ۲۳۳). شرایط صیغه عقد موقت، همان شرایط صیغه عقد دائم است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۳۰: ص ۱۵۵) و فرزندان حاصل از این ازدواج، با فرزندان حاصل از ازدواج دائم هیچ تفاوتی ندارند (آلکاشف الغطاء، ۱۳۴۶: ص ۲۴۳)؛ به همین منظور ازدواج موقت از نظر حقوقی، تعهدآور است و ابداً شباهتی به روابط نامشروع که تنها جنبه شهوترانی دارد و تعهدی برای طرفین ایجاد نمی کند، ندارد؛ اما نکته بسیار مهم این است که از نظر شریعت اسلام، این نوع ازدواج برای افرادی مجاز است که یا شرایط ازدواج دائم را ندارند یا به دلایل مختلف (مثل تحصیلات و مسافرت های طولانی مدت) همسرشان در کنارشان نیست؛ پس راه بر سوءاستفاده کنندگان از این حکم بسته است؛ چنان که امام هادی علیه السلام در این باره می فرماید: «هِيَ حَلَالٌ مُبَاحٌ مُطَلَّقٌ لِمَنْ لَمْ يَغْنِهِ اللَّهُ بِالتَّرْوِيجِ، فَلْيَسْتَعْفِفْ بِالمُتَعَةِ فَإِنْ اشْتَعْنَى عَنْهَا بِالتَّرْوِيجِ، فَهِيَ مُبَاحٌ لَهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا؛ متعه (ازدواج موقت) مباح و حلال مطلق است برای کسی که خداوند او را با ازدواج دائم بی نیاز نگردانیده باشد؛ پس اگر با ازدواج دائم از متعه کردن بی نیاز است، تنها هنگامی برایش روا است که همسرش نزد او نباشد» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ص ۵۳).

ازدواج موقت یک حربه مؤثر برای مبارزه با فحشا و انحرافات جنسی است و می تواند قسمت عمده مشکل جنسی جامعه را حل کند و بسیاری از مفاسد اجتماعی را که از این رهگذر دامنگیر اجتماع می شوند، ریشه کن سازد (آلکاشف الغطاء، ۱۳۴۶: ص ۲۴۱). متأسفانه

بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ این سنت حکیمانه، در فرق اهل سنت ممنوع اعلام شد^۱. با توجه به مطالب پیش گفته، «جواز تعدد زوجات» در اسلام (با شرایط خاص خود)، حکمی کاملاً عقلانی و منطبق با واقعیت‌ها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی است که ناقد قرآن و امثال او قادر به درک حکمت‌های آن نیستند.

نکته دیگر اینکه با توجه به حکمت تشریح ازدواج موقت و موقعیت‌های متفاوتی که ممکن است برای یک مرد ایجاد شود که به دلایلی همسر دائم در کنارش نباشد، محدودیتی برای تعداد زنانی که انسان می‌تواند با آنان در یک زمان ازدواج موقت کند، در روایات ذکر نشده است؛ اما با توجه به مجموعه روایات این باب که از تعدد زوجات برای هوسرانی منع کرده، می‌توان گفت ازدواج موقت نیز دارای محدودیت است. در واقع گرچه در ازدواج موقت از نظر تعداد، محدودیتی وجود ندارد، این امر به معنای نبود شرایط در این نوع ازدواج نیست و یکی از این شرایط مترتب نشدن مفسده است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۷)؛ پس این سخن ناقد قرآن که تصور کرده در اسلام مردان می‌توانند علاوه بر ازدواج دائم، هر تعداد همسری که خواستند با ازدواج موقت بگیرند نیز اشتباهی بیش نیست.

۴-۴. نسخ آیه ۳ سوره نساء توسط آیه ۱۲۹ این سوره

دکتر سها می‌گوید: در آیه ۳ سوره نساء جواز گرفتن چهار همسر دائم برای مردان صادر شده است؛ ولی این جواز مشروط به عدالت بین همسران است. آیه این است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا؛ هر چه از زنان که شما را پسند افتاد دو تا و سه تا و چهار تا به همسری بگیرید؛ پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید به یک یا به آنچه مالک شده‌اید (کنیزان) [اکتفا کنید]. این نزدیک‌تر است تا به ستم نگرایی» (نساء: ۳). سپس در آیه

۱. «قَالَ عُمَرُ مُتَعَتَانِ كَانَتَا عَلَىٰ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُيَ عَنْهُمَا وَأَعَاقِبَ عَلَيْهِمَا، مُتَعَةَ النِّسَاءِ وَمُتَعَةَ الْحَجِّ؛ عمر بن خطاب گفت: دو متعه (متعه زنان و حج تمتع) در زمان رسول خدا ﷺ حلال بود. من از آن دو نهی و [فاعل آن دو را] عقوبت می‌کنم» (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۲: ص ۳۹۲؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۱: ص ۳۳۸؛ سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴: ص ۲۷). علی ﷺ در این باره می‌فرماید: «لَوْلَا أَنَّ عُمَرَ نَهَىٰ عَنِ الْمُتَعَةِ مَا زَنَىٰ إِلَّا شَقِيًّا؛ اگر عمر از متعه نهی نمی‌کرد، جز افراد بدبخت زنا نمی‌کردند» (طبری، ۱۴۲۲، ج ۶: ص ۵۸۸).

۱۲۹ نساء پیامبر اسلام ﷺ شرط عدالت را نسخ کرد. آیه این است: «وَلَوْ كُنَّ تَشْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا؛ و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید؛ هر چند [بر عدالت] حریص باشید؛ پس به یک طرف یکسره تمایل نوزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته (بلاتکلیف) رها کنید و اگر سازش نمایید و پرهیزکاری کنید؛ یقیناً خدا آمرزنده مهربان است» (همان: ۱۲۹). در آیه ناسخ (آیه ۱۲۹) گفته شده ایجاد عدالت بین همسران غیر ممکن است؛ یعنی شرط گذاشته شده در آیه ۳، شرط محال بوده است؛ به تعبیر دیگر چون عدالت بین زنان امکانپذیر نیست، پس صدور جواز چند همسری هم بی‌معنا است؛ بنابراین امکان ندارد که این آیه از خدا باشد که مجوز امری را صادر کند که محال است. این آیه از یک انسان است که در ابتدا نمی‌داند که شرط عدالت غیر ممکن است و پس از گذشت مدتی متوجه می‌شود که شرط مذکور قابل اجرا نیست و ناچار به حذف آن شرط می‌شود (سها، ۱۳۹۳: ص ۲۲۹).

۱-۴-۴. بررسی و نقد ادعا

همان‌طور که گفته شد، عدالت معانی مختلفی دارد و قرآن کریم نیز با وضع قیود خاص، جواز گرفتن همسر دیگر (تا چهار همسر) را مشروط به رعایت عدالت بین آنان کرده است؛ اما منظور از رعایت عدالت میان همسران در اسلام عبارت است از: رعایت عدالت در مقدار نفقه و اجب، رعایت عدالت در تقسیم شب‌ها، رعایت عدالت در هزینه‌های زندگی، حسن معاشرت، خوشرویی و... (بحرانی، ۱۹۸۵، ج ۲۴: ص ۶۰۹؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱: ص ۱۵۵). چنانچه مشخص است، انجام این امور در توان انسان است و در صورت انتخاب همسر دیگر، موظف به رعایت آنها است؛ اما عدالت دیگری نیز وجود دارد و آن عدالت در حریم قلب، تمایلات و عواطف انسانی است. شکی نیست که این نوع عدالت، خارج از قدرت انسان است و کسی نمی‌تواند تمایلات قلبی و محبت خود را که عوامل آن در بیرون وجود او است، از هر نظر تحت کنترل درآورد؛ به همین دلیل خداوند رعایت این نوع عدالت را در بین همسران واجب نشمده و در آیه ۱۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَوْ كُنَّ تَشْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ؛ شما هر قدر کوشش کنید؛ نمی‌توانید در میان همسران خود [از نظر تمایلات قلبی] عدالت و مساوات برقرار سازید. هر چند بر آن حریص باشید».

گواه این ادعا عبارت بعدی آیه ۱۲۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّفَةِ»؛ یعنی اکنون که نمی‌توانید مساوات کامل را در محبت میان همسران خود رعایت کنید، دست کم تمام تمایلات قلبی خود را متوجه یک نفر از آنان نسازید که دیگری را به صورت بلا تکلیف در آورید. اگر کسی روایتی را که در این زمینه از امام صادق علیه السلام نقل شده است، ملاحظه کند، می‌فهمد که بحث نسخ میان آیات نیست و در آن حکمتی وجود دارد. ابن‌ابی‌العوجاء از هشام بن حکم پرسید: آیا خداوند حکیم نیست؟ هشام گفت: آری حکیم است. گفت: خداوند فرمود: «شما با زنان، دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید؛ ولی اگر خوف آن دارید که نتوانید عدالت را میان آنان رعایت کنید، پس تنها به یک همسر قناعت کنید». آیا رعایت عدالت میان زنان لازم نیست؟ هشام گفت: آری لازم و فرض است. ابن‌ابی‌العوجاء پرسید: خداوند در جای دیگر فرمود: «شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت برقرار سازید، هر چند تلاش فراوان کنید». پس رعایت عدالت میان آنان ممکن نیست و آن‌گاه میان این دو آیه تناقض خواهد بود. آیا هیچ حکیمی چنین سخن می‌گوید؟ هشام از جواب بازماند؛ به مدینه آمد و خدمت امام صادق علیه السلام رسید و پرسش ابن‌ابی‌العوجاء را مطرح ساخت. امام فرمود: «به او بگو آیه نخست که فرمود «اگر نمی‌توانید میان آنان به عدالت رفتار کنید، به یک همسر قناعت ورزید»، مراد رعایت عدالت در نفقه است؛ ولی آیه دوم که فرمود «هرگز نمی‌توانید میان زنان به عدالت رفتار کنید...» مراد از آن، محبت قلبی است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ص ۳۶۲). چنان‌که از پاسخ امام علیه السلام آشکار است، آنچه بر مرد لازم است و او توانایی آن را دارد، رعایت عدالت میان همسران در امور زندگی و روابط زناشویی و نفقه است؛ اما رعایت عدالت در محبت قلبی، خارج از قدرت انسان است؛ پس هرگاه محبت‌های درونی سبب ترجیح برخی از همسران بر برخی دیگر نشود و در وظایف همسری تأثیری نگذارد، مانعی ندارد. آیات ۱۲۸ و ۱۳۰ سوره نساء و ۵۱ احزاب از مسائل و مشکلات چندهمسری سخن گفته‌اند؛ اما نه در مقام ردّ چندهمسری، بلکه در مقام ارائه راه‌حل برای مشکلات آن هستند؛ بنابراین استناد نویسنده به این آیات در تضعیف حکم چندهمسری و آیه مجوز آن و در نتیجه تضعیف و حیانی بودن قرآن صحیح نیست. پس آیه ۱۲۹ نساء به هیچ عنوان نسخ آیه ۳ نیست و گفته ناقد قرآن در این مورد نیز اشتباهی بیش نیست.

نتیجه گیری

هدف اساسی شخصی مانند دکتر سها که معتقد است «اعتقاد ما به خدا، اعتقاد به یک موجود وهمی است که مخلوق ذهن ماست» (سها، ۱۳۹۳، ص ۹۳۳) تضعیف اعتقادات الهیون است؛ پس شبهاتی مانند ناعادلانه بودن جواز چندهمسری، ریشه داشتن جواز چند همسری در زورگویی مردان بر زنان، غیر حکیمانه بودن حکم و مخرب بودن حکم جواز برای نظام خانواده و روح و روان جامعه انسانی، غیر الهی بودن حکم به دلیل نسخ آن در خود قرآن و عدم امکان پشیمانی خداوند از حکم خود، به دلیل آگاهی از عواقب دستورهای غیر حکیمانه، در جهت تضعیف اعتقادات مردم است و سها خود به کلی خدا را قبول ندارد! افزون بر این، سها حتی به جنبه علمی مسئله نیز توجه نکرده که جواز تعدد زوجات، به دلیل مرگ و میر چندبرابری مردان در حوادث، جنگ‌ها و مانند آن، ضعیف بودن زنان در تحمل مشکلات کسب درآمد؛ همیشگی بودن تمایل جنسی مردان و وجود موانع متعدد در زنان است و همین نظام اجتماعی و آفرینشی سبب شده است این قانون در میان عقلا، حکیمان و بزرگان علوم اجتماعی پذیرفته شود. حکم اسلام ضمن ملاحظه حکمت‌های یادشده، قوانین کنترلی دقیقی برای این حکم امضایی وضع کرده است؛ پس این حکم کاملاً عقلانی و منطبق با واقعیت‌ها و ضرورت‌های فردی و اجتماعی است.

مستند قرآنی دکتر سها، یعنی نسخ حکم جواز تعدد زوجات نیز با هدف تضعیف و شبهه‌پراکنی مطرح شده است، و گرنه او می‌داند امر به عدالت میان زنان، محدودکننده حکم و منضبط‌کننده آن است، نه ناسخ آن. اجرای عدالت از وظایف انسان است و همه عقلای جهان، گرچه هیچ کتاب آسمانی را قبول نداشته باشند، در مقام اجرای قوانین عدالت را شرط می‌کنند. هدف از حکم به عدالت، حفظ سلامت روان جامعه و خانواده است. بررسی دقیق خود آیه حکمت تقید به عدالت را به خوبی نشان می‌دهد و باطل بودن ادعای نسخ را روشن می‌کند. پژوهش حاضر بر مبنای آمارهای رسمی منتشر شده و یافته‌های مسلم علمی، به تک‌تک شبهات القاشده در خصوص غیر عادلانه بودن تعدد زوجات در اسلام پاسخ و نشان داده است احکام اسلام مبتنی بر نیازهای منطقی و عقلانی و مطابق خلقت بشر است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغة، محقق و مصحح: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۴۶)، این است آئین ما (ترجمه کتاب اصل الشیعه و اصولها)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، نسخه الکترونیکی.
۵. باجوری، جمال محمد فقی رسول (۱۹۸۶م)، المرأة فی الفكر الاسلامی: الامانه العامه للثقافه الشباب؛ موصل: جامعه الموصل.
۶. بحرانی، یوسف (۱۹۸۵م)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، الناشر: مؤسسة النشر الاسلامی.
۷. جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی (۱۴۱۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۸ق)، تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی الصحاح، بیروت: دارالفکر.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی و طارمی راد، حسن (۱۳۷۷)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم.
۱۲. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ ۳، بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۳. سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الأئمة (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت: دارالمعرفة.
۱۴. سها (۱۳۹۳)، نقد قرآن، ویرایش سوم، [بی جا]: [بی نا].
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۲۲ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار هجر للطباعة والنشر والتوزیع والإعلان.
۱۷. عبدی پور، ابراهیم (۱۳۸۸)، «تعدد زوجات»، فقه و حقوق، س ۵، ش ۲۰.
۱۸. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری (۱۴۰۵ق)، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲)، دائرةالمعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب.
۲۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقيق في كلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۳)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۴. منتسکیو، شارل دو (۱۳۴۹)، روح القوانین، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. وادیان دامغانی، رمضان (۱۳۸۲)، سیمای عدالت در قرآن و حدیث، تهران: لوح محفوظ.
۲۷. هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۸۷)، «آیا ازدواج موقت از نظر تعداد محدودیت دارد یا نامحدود است؟»، سایت

<https://www.islamquest.net/fa/archive/question/fa4800>.

40. Temple-Smith, Meredith & Susan Moore, & Doreen Rosenthal, (2016), "Sexuality in Adolescence: The Digital Generation", Taylor & Francis Group, ISBN (ebk): 978-1-315-84934-8.
41. Trivedi, J. K & Himanshu Sareen, & Mohan Dhyani, (2009), "Psychological Aspects of Widowhood and Divorce", *Mens Sana Monogr*, Jan-Dec; 7(1).
42. U.S. Census Bureau, *The Official StatisticsTM Statistical Abstract of the United States*: 1998.
43. Weiten, Wayne (2007), "Psychology: Themes and Variations: Themes And Variations, Thomson learning", Inc. ISBN: 0-495-09303-3.
44. Sabini, John (1992), *Social Psychology*, illustrated Norton.